

**«صلی الله علیک یا فاطمه الزهرا»**

**غصب فدک** (متن سخنرانی)

*اللهم صل علی فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها بعدد ما احاط به علمک و العن اعدائهم اجمعین بعدد ما احاط به علمک اللهم العن الجبت و الطاغوت و النعثل برحمتک یا ارحم الراحمین.*

*اللهم کن لولیک الحجه ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعه و فی کل الساعه ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا.*

عرض تسلیت به پیشگاه مقدس امام زمان و حضار محترم

یکی از نکاتی که در ارتباط با شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، خیلی توسط ائمه و علما و محبان اهل بیت علیهم السلام مطرح شد، مسئله غصب فدک می باشد. و این مسئله نخستین سوالی را که در ذهن ایجاد می کند، این است که چرا غصب فدک در میان غصبهایی که از حقوق اهل بیت علیهم السلام شده، شاخص است و اهمیت آن در کدام نقطه نهفته است. چرا امیرالمومنین و حضرت زهرا علیهم السلام این اندازه بر سر آن پافشاری کردند، و حتی امیرالمومنین علیه السلام پس از شهادت حضرت بارها مسئله فدک را مطرح فرمودند. حتی ائمه اطهار علیهم السلام در چندین مجلس آن را مطرح کردند، و تمامی اصحاب پیامبر و علمای شیعه در 14 قرن به مسئله فدک به عنوان یک مسئله مهم و اساسی توجه کردند، و در مقابل دشمنان به شکلهای مختلف به مقابله با آن برخاسته اند.

و اگر بخواهیم با انصاف به سوال پاسخ دهیم، این را می­دانیم که مسئله فدک یک مسئله مالی نیست و مقام شامخ اهل بیت و زهدی که در زندگی داشتند، بر همگان معلوم است که، غصب مالی در کنار غصب خلافت، چندان برای حضرت مهم نبوده است. زیرا حضرت طی چهار سالی که در آمد کلان فدک را در اختیار داشتند، آن را صرف فقرا می کردند، و در همان ایام بود که بعضی از روزها در خانه، غذای روزانه هم یافت نمی شد.

ولی برای غاصبین، مسئله اقتصادی فدک بسیار مهم بوده، و از درآمد آن استفاده های وافری بردند. ولی به هر حال از نظر امیرالمومنین و حضرت زهرا سلام الله علیهما جهت مالی آن نمی تواند باعث اقدامات حضرت در برابر دشمنان باشد. نکته مهم در غصب فدک این است که دشمنان بعد از شهادت پیامبر دو هدف عمده را دنبال می کردند:

1. پیشگیری از خلافت خاندان وحی و حکومتی که اهل بیت علیهم السلام رهبر آن باشند.
2. استحکام حکومتی که ارتباطی با خدا ندارد و نامی از خاندان وحی در آن نباشد.

پایه دین بر اساس عصمت است. چون اگر پیام آوران الهی خطای عمدی یا سهوی داشته باشند، اطمینان بکلی سلب می شود و مردم از آنچه بعنوان دین پذیرفته اند اطمینان نمی یابند. حکومتی که غاصبانه باشد قبل از همه باید شرط عصمت را حذف کند، تا بتواند به راحتی هوسرانی­هایش را مطرح کند. این بود که از چند راه به مقابله با عصمت درآمدند.

وقتی که فدک را از حضرت می گیرند، بدان معنی است که تصرف او به جا نیست، و اینکه در میان مردم برای اثبات حقانیت خویش به احتجاج بر می خیزد، برای شکستن عظمت او است. اینکه در میان کوچه با جسارتهای جانسوز سند فدک را از دست او می گیرند و پاره می کنند، هدفی جز اهانت به عصمت ندارد. و با رد سخن شخصیتی که آیه تطهیر درباره­اش نازل شده، رسماً اعلام کردند که مصداق آیه تطهیر با دیگران یکی است، و فرقی با دیگران ندارند. لذا از او شاهد می خواهند و با رد شهادت امیرالمومنین بار دیگر کلام معصوم را رد می کنند. دشمن با این طریق خود را معرفی کرد، و گرنه مقام عصمت در عظمت خود باقی بود و هست. تا روز قیامت، سفیران پروردگار فقط معصومین هستند و بس.

تلاش دیگر دشمن مقابله با احترام و محبت خاص به اهل بیت بود. مودت و محبت نسبت به پیامبر و اهل بیتش در دین اسلام موضوعیت تمام دارد؛ بطوری که هیچ عملی بدون آن مورد قبول نیست. دشمنان درصدد رواج اسلام بدون محبت و ولایت اهل بیت بودند. اگر مردمی محبت اهل بیت پیامبر خود را داشته باشند، نه تنها اموال او را نمی گیرند، بلکه اموال خود را هم در اختیار او قرار می­دهند. امیرالمومنین می فرمایند: در زیر آسمان فقط یک سرمایه از آن زهرا بود، و آن هم فدک بود. و تمام چشمها به همین فدک فاطمه سلام الله علیها دوخته شد. گویا به یادشان نمی آمد که جا دارد از اموال خود تقدیم آن حضرت نمایند و محبت خود را اظهار کنند. [[1]](#footnote-1)

اولین معنای غصب فدک بی محبتی نسبت به خاندان پیامبر بود. دشمن اهدافی دیگر از جمله زیر پا گذارای فرامین الهی و بدعت گذاری دین را دنبال می کرد. ولی لازم بود حضرت زهرا سلام الله علیها و آقا امیرالمومنین توطئه ها را خنثی کنند، تا حقانیت آنها برای همه تا قیام قیامت ثابت شود. غاصبین که فدک را غصب کردند در درجه اول خواستند فاطمه را در تصرّف فدک ناحق جلوه دهند در مرحله دوم کار خود را حق به جانب نشان دهند وطلبکار هم باشند که اصلاً از روز اول چرا فاطمه خودش فدک را تقدیم نکرد. پس لازم بود حضرت در مقابل نیت های شوم آنها اقدامات لازم را انجام دهد.

آنچه که به عنوان استدلال و اتمام حجت در مقابل غاصبین انجام گرفت، مجموعه ای از آیات قرآن و کلمات پیامبر بود و اگر حضرت سکوت می کردند در آینده تاریخ، چنین قضاوت می کرد، که نکند فاطمه هم به ناحق آن را در تصرف داشتند، که وقتی از او گرفتند هیچ نگفت. پس لازم بود حضرت حقانیت خود را اثبات کند.

1. 1- نهج البلاغه نامه 45 [↑](#footnote-ref-1)